بسم الله الرحمن الرحیم

آیا اسلام در قضیه‌ی ارث به زنان ظلم کرده است؟!

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

آیا اسلام در قضیه‌ی ارث به زنان ظلم کرده است؟!

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira



ارث در اسلام

برخی‌ها گمان کرده‌اند که در قضیه‌ی ارث در اسلام به زنان ستم شده است در حالی که این گمانی باطل و ناشی از ناآگاهی به تعالیم اسلام است، چراکه با مطالعه‌ی قرآن و سنت و کتاب‌های فقهی در موضوع علم ارث، آشکار است که زنان فقط در ۵ مورد کمتر از مردان ارث می‌برند در حالی که در موارد بسیاری با مردان مساوی‌اند و یا بیش از مردان ارث می‌برند!

چگونه است که معترضان به قانون ارث در اسلام، این موارد را نادیده گرفته‌اند و از روی جهل و عناد به اعتراض می‌پردازند؟

ویل دورانت(Will Durant) می‌گوید: «[محمد] زن و مرد را از لحاظ تشریفات قضایی و استقلال مالی برابر کرد؛ به زن حق داد به هرکار مجازی اشتغال ورزد، مال و منفعت خود را نگاه دارد، ارث ببرد، و به هر صورت که مایل است در مال خود تصرف کند (نساء ٤ و ٣٢).»[۱]

گوستاو لوبون(Gustave Le Bon) می‌گوید: «احکام وراثت در قرآن مبنی است بر انصاف و داد... اگر چه فروعاتی را که فقهاء در این باب استخراج نموده‌اند تمام آن در آیات [قرآن] درج نیست لیکن کلمات آن با کمال وضوح ذکر شده خاصه این احکام را با احکام ارث انگلیس و فرانسه که باهم مقایسه نموده‌ام از ملاحظه آن راجع به زنان شوهردار که می‌گویند دین اسلام با آنها بطور انصاف رفتار نکرده معلوم می‌شود که هیچ پایه و

[۱]- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه: احمد آرام و دیگران، (تهران: اقبال، فرانکلین، ۱۳۳۷)، ج۴، ص۲۳۴.

مایه‌ای برای آن نیست بلکه نسبت به احکام ارث ما، اسلام حقوق آنها را بیشتر مراعات کرده است.»[۱]

همو در جایی دیگر از کتابش می‌نویسد:«حقوق قانونی که برای زنان منکوحه از روی قرآن و کتب فقهی مقرر شده از حقوق زنان اروپا به مراتب بیشتر و بالاتر است. زنان اسلام نه اینکه فقط مهر می‌گیرند بلکه املاک شخصی آنها هم کاملاً در ید تصرف خود آنهاست و در هزینه (مخارج) خانواده دیناری ملزم نیستند شرکت کنند و هر وقت مطلقه بشوند کسوه و تفقه‌ی خود را باید بگیرند و وقتی که شوهر وفات می‌کند زن تا یکسال از مالیه‌ی شوهر نفقه خود را گرفته به علاوه از ترکه‌ی مرد هم سهم معینی به او داده می‌شود.»[۲]

بیان نکاتی مهم

۱) خداوند متعال داورِ دادگر است، هیچ‌کسی را بر دیگری برتری نمی‌دهد، در محکمه‌ی عدل الهی، سفیدپوست بر سیاه‌پوست، مرد بر زن و عربی بر عجمی مزیتی ندارد؛ چنانچه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾[نساء: ٤٠]، ترجمه: «خداوند (به کسی) ذرّه‌ای ظلم روا نمی‌دارد و (از اجر کسی نمی‌کاهد، ولی) اگر کار نیکی (از کسی) سر زند، آن را چندین برابر می‌گرداند، و از سوی خود (به شخص نیکوکار، جدای از چندین برابر اجر عملش) پاداش بزرگی عطاء می‌کند.» همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا

---

[۱]– تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، (تهران: چاپخانه علمی، چاپ سوم، ۱۳۱۸)، ص ۵۱۱.

[۲]– منبع قبل، ص ۵۴۰.

وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [یونس: ٤٤]، ترجمه: «خدا هیچ به مردم ستم نمی‌کند، بلکه این مردم هستند که (با اختیار کفر و ترک ایمان) به خویشتن ستم می‌نمایند.» وخدای تعالی فرموده است: ﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۚ وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [کهف: ٤٩]، ترجمه: «و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می‌شود (و مؤمنان از دیدن آنچه در آن است شادان و خندان می‌گردند) و بزهکاران (کفر پیشه) را می‌بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می‌شوند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. و بدین وسیله) آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند. (چرا که پاداش یا کیفر، محصول اعمال خود مردمان است).»

٢) خداوند متعال سهمیه‌های میراث را در قرآن بیان نموده است که عبارتند از: نصف (یک دوم)، رُبع (یک چهارم)، ثلثان (دو سوم)، ثُلث (یک سوم) و سُدس (یک ششم) و مانند اینها می‌باشد؛ ولی تعداد رکعت‌های نماز را بیان ننمود، در قرآن از مقدار و نصاب زکات سخنی به میان نیامده است؛ با وجود اینکه نماز از میراث جایگاه بالاتری دارد، این بیان‌گر اهمیت مقام میراث هست و ستم و بی‌عدالتی در میراث مستحقین، گناه و خطر بزرگی‌ست؛ آخر چگونه گفته می‌شود که اسلام برای زن ظلم نموده؟!

نصوصی که در کتاب خدای متعال و سنتِ پیامبراکرمﷺ، نصاب‌ها و سهمیه‌های میراث و مستحقین آنرا را بیان کرده، از ناحیه‌ی ثبوت و از

حیث دلالت قطعی هستند، هیچ فرصتی برای مدعی اجتهاد نیست تا بر خلاف این نصوص اجتهاد نماید. جز آن کسی که به خواهش‌های نفسانی‌اش لبیک گفته، کس دیگری این نصوص را رد نمی‌کند و با آن مخالفتی ندارد؛ خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِن لَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [قصص: ۵۰]، ترجمه: «پس اگر (این پیشنهاد تو را نپذیرفتند و) پاسخت نگفتند، بدان که ایشان فقط از هواها و هوسهای خود پیروی می‌کنند! آخر چه کسی گمراه‌تر و سرگشته‌تر از آن کسی است که (در دین) از هوا و هوس خود پیروی کند، بدون این که رهنمودی از جانب خدا (بدان شده) باشد؟! مسلّماً خداوند مردمان ستم‌پیشه را (به سوی حق) رهنمود نمی‌نماید (چرا که کسی که به دنبال باطل رود، به حق راهیاب نمی‌شود).» همچنین می‌فرماید: ﴿بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ﴾ [روم: ۲۹]، ترجمه: «(مشرکان ستمگر برای شرک‌ورزی خود دلیلی ندارند و) بلکه ستمگران از هوا و هوس خود بدون علم و آگهی (از عاقبت بد شرک) پیروی می‌کنند. چه کسی می‌تواند کسانی را که خدا آنان را گمراه کرده باشد هدایت کند؟ اصلاً برای ایشان هیچ یار و یاوری نخواهد بود (تا برای آنان میانجیگری کند و ایشان را از عذاب برهاند)»

بعد از اینکه خداوند متعال از پیروی هوا و هوس و گفته‌های گمراه‌کننده و گمراه‌گران بر حذر داشت، به پیروی از دین حق دستور داده و می‌فرماید: ﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾ [روم: ۳۰]، ترجمه: «روی خود را خالصانه متوجّه آئین (حقیقی خدا، اسلام) کن. این

سرشتی است که خداوند مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد (و آن را از خداگرائی به کفرگرائی، و از دینداری به بی‌دینی، و از راستروی به کجروی کشاند). این است دین و آئین محکم و استوار، و لیکن اکثر مردم (چنین چیزی را) نمی‌دانند.»

٣) خداوند متعال نصیب و حق زن را در میراث، اصل قرار داده و می‌فرماید: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ ۖ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ﴾ [نساء: ١١]، ترجمه: «خداوند درباره‌ی (ارث بردن) فرزندانتان (و پدران و مادرانتان) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون مُردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره‌ی یک مرد به اندازه‌ی بهره‌ی دو زن است.» و نگفته است: «للأنثی نصف حظ الذکر»، یعنی: «بهره‌ی یک زن به اندازه‌ی نصف بهره‌ی یک مرد است.» این بیان‌گر این است که زن، حقش را کاملاً و بدون کاستی گرفته است.

٤) بعد از آن‌که خداوند متعال میراث مرد و زن را آنگونه که نصیب و حق آن‌ها قرار داده بود و بیان نمود، می‌فرماید: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ [نساء: ١٣ - ١٤]، ترجمه: «این (احکام راجع به یتیمان و وصیّت و سهام مواریث) حدود الله (در میان حق و باطل) است و (آنها را محترم شمارید و از آنها درنگذرید و بدانید که) هرکس از الله و پیغمبرش (در آنچه بدان دستور داده‌اند) اطاعت کند، الله او را به باغهای (بهشت) وارد می‌کند که در آنها رودبارها روان است و (چنین کسانی) جاودانه در آن می‌مانند و این پیروزی بزرگی است. و آن کس که از الله و پیغمبرش نافرمانی کند و از مرزهای (قوانین) الله درگذرد، الله او را به آتش (عظیم دوزخ) وارد

مـی‌گردانـد کـه جاودانـه در آن مـی‌مانـد و (عـلاوه از آن) او را عـذاب خوارکننده‌ای است.»

آیا بعد از این هُشدار قاطع، مـی‌شـود گمـان نمـود کـه آنچـه را خداونـد متعـال برای هر یك از وارثـان تعیـین نمـوده اسـت «از اصـول ثابـت نیسـت، تـا کسـی نتواند از آن تخطـی کنـد؟!» پـس واژه‌ی حـدود در ایـن آیـه چـه معنـای دارد، حـدودی کـه اگـر فـردی از مرزهـای آن درگـذرد، خداونـد او را بـه آتـش (عظـیم دوزخ) وارد مـی‌گردانـد کـه جاودانـه در آن مـی‌مانـد و (عـلاوه از آن) او را عذاب خوارکننده‌ای خواهد داد.[۱]

مجاهـد از ام‌سـلمه روایـت مـی‌کنـد کـه مـی‌گویـد: «مـردان جهـاد می‌کنند و زنان جهـاد نمـی‌کننـد و مـا زنـان بـه انـدازه‌ی نصـف مـردان میـراث می‌بـریم، خداونـد متعـال ایـن آیـه را نـازل فرمـود: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ [نسـاء: ۳۲]، ترجمـه: "آرزوی چیـزی نکنیـد کـه الله برخـی از شـما را بـا (اعطـای) آن بـر برخـی دیگـر برتـری داده اسـت (و مـردان را در بعضـی از چیزهـا بـر زنـان، و زنـان را در بعضـی از چیزهـا بـر مـردان فضـیلت داده و مرحمـت روا دیـده اسـت)"»، مجاهـد مـی‌گویـد: «در مـورد ام‌سـلمه آیـه‌ی ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [احـزاب: ۳۵]، ترجمـه:

---

[۱]- مکانة المرأة فی القرآن الکریم والسنة الصحیحة – د. محمد بلتاجی، (ط: دارالسلام، ۱۴۲۰هـ)، ص ۱۴۶.

"مردان مسلمان و زنان مسلمان ..." نازل شده و او اولین زنی بود که به مدینه هجرت نمود.»[١]

٥) خداوند متعال در شریعت خود برای زن میراث تعیین نمود، حال آن‌که زن در جاهلیت میراثی نداشت،[٢] خدای تعالی می‌فرماید: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ [نساء: ٧]، ترجمه: «برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جای می‌گذارند سهمی است، خواه آن ترکه کم باشد و یا زیاد. سهم هر یک را خداوند مشخّص و واجب گردانده است (و تغییرناپذیر است).»

جابر بن عبد الله رضی الله عنه می‌گوید: «همسر سعد بن ربیع رضی الله عنه همراه دو دخترش که از سعد رضی الله عنه بودند، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم، آمده و گفت: ای رسول الله! این دو دختران سعد بن ربیع رضی الله عنه هستند، پدر آنها همراهت در جنگ احد (بود و) شهید شد و عموی آنها تمام دارای آنها را گرفته و هیچ مالی را برایشان باقی نگذاشت، اینها بدون مال ازدواج نمی‌کنند، پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمودند: خداوند در مورد این موضوع داوری خواهد نمود. اینجا بود که آیه‌ی میراث نازل گردید و پیامبر صلی الله علیه وسلم، به دنبال عموی آنها فرستاد و برایش بیان داشت: ثلثان (دو سوم) مال را برای دختران

---

[١]- سنن الترمذی، (ط: ٢، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابی الحلبی، مصر، ١٩٧٥م)، ج٥، ص٢٣٧ ح٣٠٢٢؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، (ط: ١، مؤسسة الرسالة، ٢٠٠١م)، ج٤٤، ص٣٢٠ ح٢٦٧٣٦؛ المستدرک علی الصحيحين للحاكم، (ط: ١، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٩٠م)، ج٢، ص٣٣٥ ح٣١٩٥. این حدیث "صحیح" است.

[٢]- المفصل فی تاريخ العرب قبل الإسلام – د. جواد علی، (ط: ٤، دار الساقی، ٢٠٠١م)، ج١٠، ص٢٣٤؛ تاريخ العرب القديم – توفيق برو، (ط: ٢، دار الفكر، ٢٠٠١م)، ص٢٧٠.

سعد ﷺ بده و ثمن (یک هشتم) آن را برای مادر آنها، آنچه باقی ماند از آنِ خودت»[۱] در زمان جاهلیت وضعیتی بدتر از این نیز وجود داشت، و آن این‌که زنان مانند کالای بی‌ارزش میراث بازماندگان قرار می‌گرفت، هنگامی که شوهر یک زن فوت می‌کرد، آن زن را پسر شوهرش به میراث می‌برد و با او ازدواج می‌کرد، خداوند متعال از این عمل نهی کرد و آن را حرام نمود، فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ﴾ [نساء: ۱۹]، ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما درست نیست که زنان را (همچون کالائی) به ارث برید.»

٦) اسلام هیچ حمل و مسئولیتِ مالی را بر دوش زن نینداخته است، شریعت خداوند متعال مسکن و نفقه‌ی زن را بر شوهرش واجب گردانیده تا به‌وجه نیکو نفقه‌اش را بپردازد.[۲]

زن در نفقه‌ی فرزندانش نیز مکلف نیست و همگی مصارف را باید پدر آنها بپردازد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [بقره: ۲۳۳]، ترجمه: «بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدّت به اندازه‌ی توانائی) به گونه‌ی شایسته بپردازد. هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانائی خود نیست.»

---

[۱]- سنن الترمذی، ج۴، ص۴۱۴ ح۲۰۹۲؛ سنن أبی داود، (ط: المکتبة العصریة، صیدا، بیروت)، ج۳، ص ۱۲۰ ح۲۸۹۱؛ سنن ابن ماجه، (ط: دار إحیاء الکتب العربیة - فیصل عیسى البابی الحلبی)، ج۲، ص۹۰۸ ح۲۷۲۰؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۲۳، ص۱۰۸ ح۱۴۷۹۸. این حدیث "حسن" است.

[۲]- نفقه‌ی همسر و فرزندان بر شوهر واجب است و مستندات این حکم بر اساس قرآن، سنت، اجماع و عقل است. [ر.ک: الموسوعة الفقهیة الکویتیة، (ط: ۲، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة، الکویت)، ج۴۱، صص۳۴ - ۳۵؛ المغنی لابن قدامة، (ط: مکتبة القاهرة، ۱۹۶۸م)، ج۸، ص۲۱۲]

همچنـان اگـر آن زن، مـادر باشـد حـق نفقـه، مسـکن و معاشـرت نیـک را بـر فرزنـدانش دارد، اگـر آن زن، مـادر بـزرگ و نَـوه داشـته باشـد نفقـه‌اش بـر دوش مـرد هسـت، اگـر دختـر باشـد حـق نفقـه‌اش بـر دوش پـدرش و اگـر خـواهر باشـد حـق نفقـه‌اش بـر دوش بـرادرش اسـت. و ایـن مقتضـی عـدالت است که واجب مـی‌باشـد بنـابر قاعـده‌ی «الغـنم بـالغرم»، یعنـی: «سـود در برابـر تاوان و زیان»، نصیب آن کسـی کـه نفقـه مـی‌دهـد (در تقسـیم میـراث) بـیش‌تـر باشد. با مقارنه بین شـریعت اسـلام و غیـر آن مـی‌بینـیم کـه در جامعـه‌ی مـدعیان برابری و مساوات بـین زن و مـرد (بـه گمـان خودشـان)، زمانیکـه دختـر بـه سـن شـانزده سـالگی مـی‌رسـد پـدرش بـه او نفقـه نـداده، یـا او را از خانـه بیـرون مـی‌کنـد و یـا بایـد بـه پـدرش اجـاره‌ی خانـه بدهـد، در آن جامعـه زن بایـد همراه شوهرش در نفقه شریک باشـد، وقتـی سـخن از مـال و نفقـه بـه‌میـان آیـد برادر هیچ ارتبـاط و علاقـه‌ای بـه خـواهر نـدارد، اگـر یـک مـادر جلـو چشـمان فرزندانش از گرسنگی بمیرد، باز هم حقی بر فرزندانش ندارد!!!

۷) معیارهــای میــراث در اســلام جنســیت مــرد و زن نیســت، بلکــه درجــه‌ی نزدیکـی وارث بـه میـت اعتبـار دارد، اگـر از میـت دختـر و خـواهرش بـاقی مانـده باشـد میـراث آنهـا مسـاوی نیسـت حـال آن‌کـه دو زن هسـتند،چنان‌کـه موقعیت نسلِ میراث‌بر(وارث) حـائز اهمیـت اسـت. دختـرِ میـت بـا دختـرِ دختـرِ میت مساوی نیست، با اینکه هر دو زن هستند.

۸) ایــن‌گونــه نیســت کــه ســهم زن از میــراث، مطلقــاً و بطـور همیشــگی بــه انـدازه‌ی نصـف مـرد باشـد، پـژوهش‌گـر علـم میـراث در اسـلام بـه خـوبی می‌دانـد کـه زن، تنهـا در <u>پـنج حالـت</u> سـهمش بـه انـدازه‌ی نصـف مـرد هسـت، ولـی در سـایر حالـت‌هـا، یـا مسـاوی بـا مـرد میـراث مـی‌بـرد و یـا هـم سـهمش بیش‌تر از مرد هست.

حالت‌های پنج‌گانه‌ای که در آن، سهم زن به اندازه‌ی نصف میراث مرد می‌باشد.

۱- با موجودیت دختران و پسرانِ میت، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ ۖ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ﴾ [نساء: ۱۱]، ترجمه: «خداوند درباره‌ی (ارث بردن) فرزندانتان (و پدران و مادرانتان) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون مُردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره‌ی یک مرد به اندازه‌ی بهره‌ی دو زن است.»

۲- شوهر از همسرِ خود، دو چند (مضاعف) همان سهمی را دارد که، همسرش (در صورت وفاتش) از او داشت. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ ۚ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۚ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم ۚ مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾ [نساء: ۱۲]، ترجمه: «و برای شما نصف دارائی به جای مانده‌ی همسرانتان است، اگر فرزندی (از شما یا از دیگران و یا نوه یا نوادگانی) نداشته باشند (و باقی ترکه، برابر آیه‌ی قبلی، به فرزندانشان و پدران و مادرانشان تعلّق می‌گیرد) و اگر فرزندی داشته باشند، سهم شما یک چهارم ترکه است (و باقیمانده‌ی ترکه به ذوی‌الفروض و عصبه، یا ذوی‌الأرحام یا بیت‌المال می‌رسد. به هرحال چه فرزندی نداشته باشند و چه فرزندی داشته باشند، سهم شما) پس از انجام وصیّتی است که کرده‌اند و پرداخت وامی است که بر عهده دارند (و پرداخت وام بر انجام وصیّت مقدّم است). و برای زنان شما یک چهارم ترکه‌ی شما است اگر فرزندی (یا نوه و نوادگانی از

آنان یا از دیگران) نداشته باشید. (اگر همسر یک نفر باشد، یک چهارم را تنها دریافت می‌دارد، و اگر دو همسر و بیشتر باشند، یک چهارم به طور مساوی میانشان تقسیم می‌گردد. باقیمانده‌ی ترکه به خویشاوندان و وابستگان به ترتیب استحقاق می‌رسد). و اگر شما فرزندی (یا نوه و نوادگانی) داشتید، سهمیّه‌ی همسرانتان یک هشتم ترکه بوده (و بقیّه‌ی ترکه به فرزندانتان و پدران و مادرانتان - همان گونه که ذکر شد - می‌رسد. البتّه) پس از انجام وصیّتی است که می‌کنید و بعد از وامی است که بر عهده دارید.»

توجه: اینجا فرصتی است که ناچاریم با شتاب و کوشش، از آن در رد کسانی که احکام میراث در اسلام را مورد اتهام قرار می‌دهند، استفاده نماییم، و آن این‌که: شوهر و همسر، هیچ‌گاه در یک زمان از یک‌دیگر میراث نمی‌برند، زیرا اگر شوهر از همسرش میراث ببرد، باید همسرش وفات کرده باشد، و اگر هم همسر از شوهرش میراث می‌برد، باید شوهرش وفات نموده باشد؛ پس چگونه گفته می‌شود که اسلام برای شوهر نسبت به همسرش (در میراث) برتری قائل است، در حالی‌که شوهر و همسر، هیچ‌گاه در یک زمان از یک‌دیگر میراث نمی‌برند؟

۳- در صورتی‌که فرزند وفات کند و از او، جز پدر و مادر کسی باقی نمانده باشد، پدرش دو برابر مادرش مستحق میراث است. خداوند پاک می‌فرماید: ﴿فَإِن لَّمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٞ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُۚ﴾ [نساء: ۱۱]، ترجمه: «و اگر مرده دارای فرزند (یا نوه) نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، یک سوم ترکه به مادر می‌رسد (و باقیمانده از آن پدر خواهد بود).» از مادر یک سوم مال است و باقی از آنِ پدر است که دو سوم مال می‌شود.

٤- مراث برادران و خواهران، از برادر خویش. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [نساء: ١٧٦]، ترجمه: «و اگر برادران و خواهران با هم باشند، هر مردی به اندازه‌ی سهم دو زن ارث می‌برد. خداوند (احکام و مقرّرات را) برایتان روشن می‌سازد تا گمراه نشوید (و از جمله در تقسیم ارث راه خطا نروید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و اعمال و افعال و منافع و مصالح بندگان از دید او پنهان نیست).»

٥- پدر میت دوچند(مضاعف) مادر میت میراث می‌برد، این در صورتی است که پسر آنها مرده و از او یک دختر باقی مانده باشد. اینجا میراث دختر، نصف، میراث مادر، یک ششم، باقی‌مانده هم از آنِ پدر است که یک سوم می‌باشد.

حالت‌هایی که زن در آن، بیش‌تر از مرد ارث می‌برد.

در حالت‌ها و صورت‌های زیر، زن بیش از مرد ارث می‌برد:

۱- در صورتی که از مرده، شوهر و یک دختر مانده باشد. [در این صورت، دختر نیمی از ارث را از آنِ خود می‌سازد.]

۲- در صورتی که از میت، شوهر و دو دختر مانده باشد. [در این صورت، دو دختر، دو سوم ارث را دریافت می‌نمایند.]

۳- در صورتی که از میت، دختر و چند عمویش مانده باشد.

٤- اگر زنی بمیرد و پس از خود ٦٠ فَدّان[1] زمین به ارث بگذارد. و ورثه (میراث‌بران) میت: شوهر، پدر، مادر و دو دختر باشند، ارث دو دختر ٣٢ فدان خواهد بود. یعنی به هر دختر، ١٦ فدان ارث می‌رسد در حالی که اگر از میت، دو پسر به جا می‌ماند هر یک از پسران ١٢/٥ فدان بیش‌تر دریافت نمی‌کردند چرا که دختران، دو سوم ارث را از آنِ خود می‌کنند و پسران پس از ذوی الفروض، باقی‌مانده‌ی ارث را دریافت می‌نمایند.

٥- اگر زنی بمیرد و پس از وی ٤٨ فدان زمین باقی بماند و ورثه (میراث‌بران) او: شوهر، دو خواهر تنی و مادر باشند دو خواهر، دو سوم ارث را از آن خود می‌کنند. یعنی هر خواهر ١٢ فدان دریافت می‌کنند در حالی که اگر پس از زن به جای دو خواهر، دو برادر بماند به هر برادر فقط ٨ فدان می‌رسد چرا که آنان باقی‌مانده‌ی ارث را پس از قسمت شوهر و پدر و مادر، دریافت می‌کنند.

٦- اگر زنی بمیرد و پس از او دو خواهر پدری برجای بماند از دو برادر پدری بیش‌تر میراث می‌برند.

٧- اگر زنی بمیرد و پس او: شوهر، پدر، مادر و یک دختر بر جای بماند و مال باقی‌مانده‌ی زن، ١٥٦ فدان زمین باشد در این صورت، دختر نصف ارث یعنی ٧٨ فدان زمین را از آنِ خود خواهد کرد در حالی که اگر به جای دختر، پسری از میت باقی مانده باشد تنها ٦٥ فدان میراث خواهد برد، زیرا در این صورت، پسر بنا بر تعصیب، پس از شوهر و پدر و مادر، ارث می‌برد.

---

[1]- فدان، واحد اندازه‌گیری زمین است و از یک کشور تا کشوری دیگر تفاوت دارد و در مصر معادل ۴۲۰۰ متر مربع می‌باشد

۸- اگر زنی بمیرد و پس از او: شوهر، مادر و یک خواهر تنی باقی بماند و ترکه‌ی زن (ارث) ٤٨ فدان زمین باشد خواهر تنی ١٨ فدان دریافت می‌کند در حالی که اگر به جای خواهر، برادر تنی باقی بماند فقط ٨ فدان ارث می‌برد چرا که برادر در این صورت عصبه می‌شود و قسمت خود را از سهم شوهر و مادر دریافت می‌کند. ملاحظه می‌کنید که خواهر تنی در این حالت، بیش‌تر از دو برابر برادر تنی ارث می‌برد.

۹- اگر مردی پس از خود یک همسر، مادر، دو خواهر مادری، دو برادر تنی و ٤٨ فدان زمین برجای گذارد خواهران مادری، در حالی که قرابت‌شان از برادران دورتر است ١٦ فدان ارث می‌برند یعنی هر خواهر ٨ فدان. در حالی که دو برادر تنی، فقط ١٢ فدان ارث می‌برند یعنی نصیب هر برادر فقط ٦ فدان می‌شود.

١٠- اگر زنی بمیرد و پس از او: شوهر، یک خواهر مادری، دو برادر تنی و ١٢٠ فدان زمین باقی بماند خواهر مادری یک سوم ارث، یعنی ٤٠ فدان زمین را دریافت می‌کند و به دو برادر تنی فقط ٢٠ فدان داده می‌شود. بدین معنا که خواهر مادری با این که قرابتش دورتر است چهار برابر برادر تنی ارث می‌برد.

١١- اگر مردی بمیرد و پس از او: همسر، پدر، مادر، یک دختر، یک دختر پسر و ٦٤٨ فدان زمین باقی بماند دخترِ پسر ٩٦ فدان را از آنِ خود خواهد کرد در حالی که اگر به جای او پسرِ پسری بماند فقط ٢٤ فدان ارث می‌برد.

حالت‌هایی که زن در آن ارث می‌برد و مرد ارث نمی‌برد.

۱- اگر زنی بمیرد و پس از او: شوهر، پدر، مادر، یک دختر، دختر پسر و ۱۹۵ فدان زمین باقی بماند دخترِ پسر یک ششم ارث یعنی ۲٦ فدان زمین را دریافت خواهد کرد در حالی که اگر به جای دختر پسر، پسرِ پسر باقی بماند هیچ ارثی نمی‌برد چرا که پسر بنابر تعصیب، باقیمانده را می‌برد و از آن‌جایی که از ذوی الفروض چیزی نمی‌ماند از میراث محروم می‌شود.

۲- اگر زنی بمیرد و پس از خود: شوهر، یک خواهر تنی، یک خواهر پدری، و ۸٤ فدان زمین برجای گذارد یک ششم مال یعنی ۱۲ فدان، به خواهر پدری داده می‌شود در حالی که اگر به جای او برادر پدری می‌بود هرگز ارثی نمی‌برد چرا که نصف آن به شوهر و نصف دیگرش به خواهر تنی داده می‌شود و باقیمانده از آنِ برادر پدری می‌باشد که در این صورت چیزی دیگر باقی نمی‌ماند.

۳- میراث جده یا مادربزرگ، در موارد بسیاری مادربزرگ ارث می‌برد و پدربزرگ اصلاً ارث نمی‌برد.

٤ - اگر مردی بمیرد و پس از او، پدرِ مادر و مادرِ مادر باقی بماند در این حالت، مادرِ مادر تمام ارث را دریافت می‌کند. با این توضیح که یک ششم مال را بنابر فرضیت از آنِ خود می‌کند و باقیمانده نیز به او رد (ارجاع) می‌شود. در حالی که پدرِ مادر، هیچ ارثی نمی‌برد، زیرا در این حالت، به عنوان وارث شناخته نمی‌شود.

۵ - اگر مردی بمیرد و پس از خود: مادرِ مادر و پدرِ مادرِ مادر باقی بماند تمام ارث به مادرِ مادر داده می‌شود و پدرِ مادرِ مادر هیچ ارثی نمی‌برد به همان دلیلی که در مورد پیشین اشاره شد.

سخن پایانی

این مواردی که مختصراً بیان گردید صرفاً جهت اطلاع از موضوع بود وگرنه موارد متعدد زیادی وجود دارد که زنان در آن ارث مساوی مردان و یا بیشتر خواهند برد که برای جلوگیری از اطاله‌ی مطلب از عرضه‌ی آن خودداری نمودیم تا باشد آنان که اهل انصاف هستند به آنچه در این مقال بیان شد پسنده کنند و به قناعت برسند، گرچه هدف ما بیان حقیقت و اطلاع رسانی و دفع شایعاتی بوده که در فضای مجازی وجود دارد و همچنین این مطالب پاسخی باشد بر اسلام‌ستیزانی که از این مسائل سوءاستفاده ابزاری کرده‌اند.

***

«رد شبهات ملحدین»

بهمن‌ماه / ۱۳۹۷